

## وصیت نامه داریوش کبیر



اینک من از دنیا میروم بیست و پنج کشور جزء امپراتوری ایران است. و در تمام این کشور ها پول ایران رواج دارد و ایرانیان در آن کشور ها دارای احترام هستند . و مردم کشور ها در ایران نیز دارای احترام هستند.

جانشین من خشایار شا باید مثل من در حفظ این کشور ها بکوشد . و راه نگهداری این کشور ها آن است که در امور داخلی آنها مداخله نکند و مذهب و شعائر آنان را محترم بشمارد.

اکنون که من از این دنیا می روم تو دوازده کرور در یک زر در خزانه سلطنتی داری و این زر یکی از ارکان قدرت تو میباشد . زیرا قدرات پادشاه فقط به شمشیر نیست بلکه به ثروت نیز هست . البته به خاطر داشته باش تو باید به این ذخیره بیفزایی نه اینکه از آن بکاهی . من نمی گویم که در مواقع ضروری از آن برداشت نکن ، زیرا قاعده این زر در خزانه آن است که هنگام ضرورت از آن برداشت کنند ، اما در اولین فرصت آنچه برداشتی به خزانه برگردان . مادرت آتوسا بر من حق دارد پس پیوسته وسایل رضایت خاطرش را فراهم کن .

ده سال است که من مشغول ساختن انبار های غله در نقاط مختلف کشور هستم و من روش ساختن این انبار ها را که از سنگ ساخته می شود و به شکل استوانه هست در مصر آموختم و چون انبار ها پیوسته تخلیه می شود حشرات در آن بوجود نمی آیند و غله در این انبار ها چند سال می ماند بدون اینکه فاسد شود و تو باید بعد از من به ساختن انبار های غله ادامه بدهی تا اینکه همواره آذوقه دو و یا سه سال کشور در آن انبار ها موجود باشد . و هر ساله بعد از اینکه غله جدید بدست آمد از غله موجود در انبار ها برای تامین کسری خواروبار از آن استفاده کن و غله جدید را بعد از اینکه بوجاری شد به انبار منتقل نما و به این ترتیب تو هرگز برای آذوقه در این مملکت دغدغه نخواهی داشت ولو دو یا سه سال پیایی خشکسالی شود .

هرگز دوستان و ندیمان خود را به کار های مملکتی نگمار و برای آنها همان مزیت دوست بودن با تو کافی است . چون اگر دوستان و ندیمان خود را به کار های مملکتی بگماری و آنان به مردم ظلم کنند و استفاده نامشروع نمایند نخواهی توانست آنها را به مجازات برسانی چون با تو دوست هستند و تو ناچاری رعایت دوستی بنمایی .

کانالی که من میخواستم بین شط نیل و دریای سرخ بوجود بیاورم هنوز به اتمام نرسیده و تمام کردن این کانال از نظر بازرگانی و جنگی خیلی اهمیت دارد تو باید آن کانال را به اتمام برسانی و عوارض عبور کشتی ها از آن کانال نباید آنقدر سنگین باشد که ناخدایان کشتی ها ترجیح بدهند که از آن عبور نکنند .

اکنون من سپاهی به طرف مصر فرستادم تا اینکه در این قلمرو ، نظم و امنیت برقرار کند ، ولی فرصت نکردم سپاهی به طرف یونان بفرستم و تو باید این کار را به انجام برسانی . با یک ارتش قدرتمند به یونان حمله کن و به یونانیان بفهمان که پادشاه ایران قادر است مرتکبین فجایع را تنبیه کند .

توصیه دیگر من به تو این است که هرگز دروغ گو و متملق را به خود راه نده ، چون هر دوی آنها آفت سلطنت هستند و بدون ترحم دروغ گو را از خود دور نما . هرگز عمال دیوان را بر مردم مسلط نکن ، و برای اینکه عمال دیوان بر مردم مسلط نشوند ، قانون مالیات وضع کردم که تماس عمال دیوان با مردم را خیلی کم کرده است و اگر این قانون را حفظ کنی عمال حکومت با مردم زیاد تماس نخواهند داشت .

افسران و سربازان ارتش را راضی نگه دار و با آنها بد رفتاری نکن . اگر با آنها بد رفتاری کنی آنها نخواهند توانست معامله متقابل کنند . اما در میدان جنگ تلافی خواهند کرد ولو به قیمت کشته شدن خودشان باشد و تلافی آنها اینطور خواهد بود که دست روی دست می گذارند و تسلیم می شوند تا اینکه وسیله شکست خوردن تو را فراهم کنند .

امر آموزش را که من شروع کردم ادامه بده و بگذار اتباع تو بتوانند بخوانند و بنویسند تا اینکه فهم و عقل آنها بیشتر شود و هر چه فهم و عقل آنها بیشتر شود ، تو با اطمینان بیشتری میتوانی سلطنت کنی .

همواره حامی کیش یزدان پرستی باش . اما هیچ قومی را مجبور نکن که از کیش تو پیروی نماید و پیوسته و همیشه به خاطر داشته باش که هر کس باید آزاد باشد و از هر کیش که میل دارد پیروی نماید .

بعد از اینکه من زندگی را بدرود گفتم . بدن من را بشوی و آنگاه کفنی را که من خود فراهم کرده ام بر من به پیچان و در تابوت سنگی قرار بده و در قبر بگذار . اما قبرم را که موجود است مسدود نکن تا هر زمانی که میتوانی وارد قبر بشوی و تابوت

سنگی مرا در آنجا ببینی و بفهمی ، که من پدر تو پادشاهی مقتدر بودم و بر بیست و پنج کشور سلطنت میکردم ، مردم و تو نیز مثل من خواهی مرد . زیرا سرنوشت آدمی این است که بمیرد ، خواه پادشاه بیست و پنج کشور باشد خواه یک خارکن و هیچ کس در آن جهان باقی نخواهد ماند . اگر تو هر زمان که فرصت بدست می آوری وارد قبر من بشوی و تابوت را ببینی ، غرور و خود خواهی بر تو غلبه خواهد کرد ، اما وقتی مرگ خود را نزدیک دیدی ، بگو قبر مرا مسدود نمایند و وصیت کن که پسر ت قبر تو را باز نگه دارد تا اینکه بتواند تابوت حاوی جسد تو را ببیند .

زنهار زنهار ، هرگز هم مدعی وهم قاضی نشو اگر از کسی ادعایی داری موافقت کن یک قاضی بیطرف آن ادعا را مورد رسیدگی قرار دهد . و رای صادر نماید . زیرا کسی که مدعی است اگر قاضی هم باشد ظلم خواهد کرد .

هرگز از آباد کردن دست بردار . زیرا که اگر از آباد کردن دست برداری کشور تو رو به ویرانی خواهد گذاشت زیرا این قاعده است که وقتی کشوری آباد نمی شود به طرف ویرانی می رود . در آباد کردن ، حفر قنات و احداث جاده و شهر سازی را در درجه اول قرار بده .

عفو و سخاوت را فراموش نکن و بدان بعد از عدالت برجسته ترین صفت پادشاهان عفو است و سخاوت ، ولی عفو باید فقط موقعی بکار بیفتد که کسی نسبت به تو خطایی کرده باشد و اگر به دیگری خطایی کرده باشد و تو خطا را عفو کنی ظلم کرده ای زیرا حق دیگری را پایمال نموده ای .

بیش از این چیزی نمیگویم این اظهارات را با حضور کسانی که غیر از تو در اینجا حاضر هستند ، کردم . تا اینکه بدانند قبل از مرگ من این توصیه ها را کرده ام و اینک بروید و مرا تنها بگذارید زیرا احساس میکنم مرگم نزدیک شده است